

هویت یابی میوه‌های فولادی قاجاری، موجود در موزه ملی ایران (به استناد متون ادب فارسی)

ابوالقاسم دادور^۱، نغمه حسین قزوینی^{۲*}

^۱استاد دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

^۲دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۹/۱۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۳/۲۹)

چکیده

تعداد شش میوه فولادی از عصر قاجاریه، در موزه ملی ایران وجود دارد که تا حال معرفی نگردیده‌اند و فرض مقاله بر این است که می‌توان به استناد متون ادب فارسی این میوه‌ها را هویت‌یابی نمود؛ از این رو هدف پژوهش پیش‌رو یافتن هویت این میوه‌ها به استناد متون ادب فارسی است. روش اتخاذ شده برای نیل به این هدف، ابتدا بررسی ویژگی‌های ظاهری این میوه‌ها و سپس یافتن پیشینه میوه‌های فلزی در متون ادب فارسی، بعد طبقه‌بندی و انطباق آنها با موارد مطالعاتی می‌باشد؛ نتیجه اخذ این روش نشان داد، میوه‌های فولادی موزه ملی «به» و «ترنج» هستند و سابقه ساختن این میوه‌ها به دو صورت بویا و غیربویا، به ایران قبل از اسلام می‌رسد؛ و دلیل ساخت این میوه‌ها را با توجه به اینکه روی دو عدد از آنها نام ناصرالدین‌شاه نگاشته شده، می‌توان باستان‌گرایی پادشاهان قاجاری دانست. بنابراین نتایج این پژوهش علاوه بر اینکه موجب دمیدن روح حیات به تعدادی اشیاء خاموش موزه‌ای گردید؛ حتی در گامی فراتر موجب تکمیل اسناد تاریخی و فرهنگی این مرز و بوم شد؛ زیرا علیرغم اشارات فراوان به میوه‌های فلزی در متون ادب فارسی، میوه‌های فولادی موجود از عصر قاجاریه، تنها نمونه‌ها متجسد از یک سنت باستانی در ایران می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

میوه‌های فولادی، عصر قاجاریه، متون ادب فارسی، به، ترنج.

*نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۰۲۰۶۲، نمابر: ۰۲۱-۶۶۷۰۲۰۶۱، E-mail: qnaghmeh@gmail.com

مقدمه

میوه‌های فلزی در ایران به استناد متون ادب فارسی پیشینه‌ای کهن داشته است. به گونه‌ای که براساس آن بسیاری از گنج‌ها را در ایران باستان به شکل میوه ساخته و یا بسیاری از پادشاهان و پهلوانان در متون ادب فارسی با میوه‌های فلزی همچون «به» و «ترنج» در دست توصیف شده‌اند. بنابراین می‌توان به استناد گنجینه ادب فارسی، پیشینه میوه‌های فلزی در ایران معرفی و همچنین به دلیل ساخت میوه‌های فولادی قاجاری پرداخت. برای نیل به این منظور ابتدا، به معرفی ویژگی‌های ظاهری میوه‌های فولادی موجود در موزه‌ها خصوصاً نمونه‌های موجود در موزه ملی ایران پرداخته و سپس پیشینه میوه‌های فلزی به استناد متون ادب فارسی بررسی شد. از آنجا که میوه‌های باقی مانده از عصر قاجار، «به» و «ترنج» هستند در مبحث بعد بیشتر به این دو میوه (مهم‌ترین میوه‌ها فلزی یاد شده، در متون ادب فارسی)، پرداخته شد. در آخر نیز دلایل ساخت میوه‌های فولادی در عصر قاجار، مورد تحلیل قرار گرفتند.

پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه پژوهش میوه‌های فولادی باید گفت، که تا حال غیر از معرفی مشخصات ظاهری چند نمونه از میوه‌های فولادی عصر قاجاری، هیچ‌گونه تحقیق جدی در مورد چرایی و چگونگی آنها صورت نپذیرفته است؛ که در این مقاله سعی بر آن است که به استناد متون ادب فارسی به تکمیل اطلاعات این اشیاء پرداخته شود. البته در مورد پیشینه روش پژوهش، یعنی بهره‌گیری از متون ادب فارسی برای تکمیل اطلاعات اشیاء دوران اسلامی لازم به ذکر است، تا حال با بهره‌گیری از این روش نام، کاربرد و پیشینه تعدادی از اشیاء شناسایی گردیده‌اند. از جمله عبدالله قوچانی در مقاله کوزه فقاع (۱۳۶۶) به معرفی نام و کاربرد نوعی خاص از کوزه‌های دوران اسلامی و همچنین اسدالله ملکیان شیروانی در مقاله‌های ذیل نیز با استناد به متون ادب فارسی نام و کاربرد و سیر تداوم و تکامل برخی از ظروف دوران اسلامی ایران را از جمله دوات، کشکول، کاسه ای به نام رکاب، ظروف شاخی شکل (پالغ) و ظروف پرند شکل، را معرفی نموده است:

State inkwell in Islamic Iran (1986), Iranian Wine horn (1996), The wine birds of Iran from pre Achaemenid to Islamic times (1997), From the royal boat to the beggar's bowl (1992), Rekab: the polylobed wine boat from Sasanian to seljuq times (1995).

احسان پورابریشم و فریناز فربود (۱۳۹۰) نیز در مقاله ماهیت دیبای شوشتری از منظر منابع مکتوب، برای شناخت خاستگاه و ویژگی‌های دیبای شوشتری که نمونه‌ای از آن برجای نمانده است، از متون ادبی بهره گرفته‌اند. همچنین نسرین فقیه ملک مرزبان و نگارنده دوم، در مقاله عنبر و عنبرینه در ادب فارسی (۱۳۹۵)،

به معرفی زیوری مشبک و مجوف از دوران اسلامی به نام عنبرینه پرداخته‌اند. بنابراین بهره‌گیری از متون ادب فارسی در مطالعات هنر دوران اسلامی، را می‌توان به عنوان روشی موفق برای معرفی نام، کاربرد و پیشینه اشیاء، محسوب نمود؛ و در این پژوهش سعی خواهد شد پیشینه و کاربرد احتمالی میوه‌های فولادی قاجاری موجود در موزه ملی ایران به استناد متون ادب فارسی تحلیل و بررسی گردد.

معرفی میوه‌های فولادی موجود در موزه ملی ایران

در موزه ملی ایران شش نمونه میوه فولادی وجود دارد که تاکنون معرفی نگردیده‌اند (تصاویر ۱ تا ۶). در مورد ماهیت این میوه‌ها باید گفت دو دسته اصلی برای این میوه‌ها می‌توان در نظر گرفت، یک دسته میوه‌های گرد و دیگری میوه‌های بلند و کشیده؛ برای معرفی گونه میوه‌های گرد، می‌توان به راحتی آنها را «به» معرفی نمود. در مورد میوه‌های کشیده و بلند، این میوه را می‌توان «ترنج» معرفی کرد، این میوه از خانواده لیمو ولی کشیده و دراز است. این میوه به استناد شواهد زیادی از متون ادب فارسی که در سطور ذیل به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد، در گذشته جایگاه خاصی برای ایرانیان داشته، به گونه‌ای که بسیاری از پهلوانان و پادشاهان با ترنجی در دست توصیف شده‌اند. لازم به ذکر است چهار میوه از شش میوه فولادی موزه ملی ایران، «ترنج» و دو تای دیگر «به» می‌باشند، که می‌توان آنها به این ترتیب معرفی نمود:

البته این میوه‌ها نمونه‌های مشابهی در سایر موزه‌ها نیز دارند؛ که می‌توان به یک نمونه ترنج فولادی طلاکوب در موزه آمستردام (تصویر ۱، که در کاتالوگ به عنوان آلو معرفی گردیده) و یک نمونه ترنج فولاد طلاکوب دیگر که در موزه هنرهای زیبای بوستون (تصویر

جدول ۱- مشخصات میوه‌های فولادی موجود در موزه ملی ایران.

ردیف	شماره شیء در موزه	ارتفاع	توضیحات	تصاویر شماره ۱ تا ۶ مأخذ کلیه تصاویر: آرشیو موزه ملی ایران
۱	۲۱۸۷۴	م.س۲۰/۵	این میوه دارای تزئینات طلاکوب به شکل نقوش گیاهی است.	
۲	۲۱۸۸۱	م.س۱۳	بر این میوه داخل ترنجی عبارت «السلطان ناصرالدین شاه» به صورت طلاکوب نگاشته شده است.	
۳	۲۳۷۴۴	م.س۲۸	این میوه فاقد نقوش تزئینی می‌باشد.	
۴	۲۳۷۴۵	م.س۲۸	این میوه فاقد نقوش تزئینی می‌باشد.	
۵	۲۳۷۴۶	م.س۲۲/۸	این میوه دارای تزئینات طلاکوب به صورت نقوش گیاهی است.	
۶	۲۳۷۴۹	م.س۱۲/۵	بر این میوه عبارت «خلد الله السلطان ناصرالدین شاه ملکه و السلطان» به صورت طلاکوب، دیده می‌شود.	

درون آنها مشحون از میوه‌هایی به شکل انار، سیب و به زربین پر از جواهرات توصیف شده‌اند (فرهنگ مجمع الفرس و فرهنگ جهانگیری: ذیل گنج گاو):

ز زر کرده بر پای دو گاو میش / یکی آخری کرده زربینش پیش
ز برجد باخر درون ریخته / بیاقوت سرخ اندر آمیخته
چو دو گاو گردون میانش تهی / شکمشان پر از ناروسیب و بهی (فردوسی،
۱۳۸۵، ۹۵۸).

در متون ادب فارسی نیز در بسیاری از بزم‌ها به وجود میوه‌های فلزی بسیار اشاره شده است؛ چنانچه در توصیف مجلس بزم فریدون، اسدی توسی (از حماسه سرایان قرن پنجم ه.ق) به میوه‌هایی، گنج مانند اشاره کرده است:

ز زر بی کران نار و نارنج بود / به هر یک بهای یکی گنج بود
همه دانه‌ی نار یاقوت و در / ز کافور، نارنج‌ها کرده پر (اسدی توسی، ۱۳۵۴،
۴۲۴).

حتی به استناد شعری از خاقانی (شاعر قرن ۶ ه.ق) سبزی‌هایی نیز از جنس طلا در دربار خسرو پرویز وجود داشته است (زربین تره: لغت‌نامه دهخدا):

پرویز بهر خوانی زربین تره گستردی / کردی ز بساط زر، زربین تره را بستان
پرویز کنون گم شد، ز آن گم شده کم تر گو / زربین تره کو برخوان؟ رو کم تر کوا
برخوان (خاقانی، ۱۳۸۹، ۲۴۶).



تصویر ۲- ترنج فولادی طلاکوب قاجاری، ارتفاع: ۳۲ س.م، محل نگهداری: موزه هنرهای زیبای بوستون، مأخذ: (Weistein, 2015, 419)

۲، که به عنوان خربزه معرفی شده است) و دو نمونه به فولادی طلاکوب در مجموعه خصوصی تناولی (تصویر ۳، به عنوان گلابی معرفی شده است) اشاره نمود. که البته همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، در هیچ یک از این منابع به هویت یابی این اشیاء پرداخته نشده است (Weistein, 2015, 149; Adamqva, 2007, 122) و (آلن، ۱۳۸۱، ۱۱۷).

لازم به ذکر است این میوه‌ها در بین آثار هنری دوران اسلامی ایران منحصر به فرد بوده و کم‌تر می‌توان نمونه مشابهی برای آنها در اعصار مختلف اسلامی ایران، یافت؛ این در حالیست که در متون ادب فارسی به کرات به میوه‌های فلزی خصوصاً «به» و «ترنج» اشاره شده است. بنابراین وجود میوه‌های فولادی دوران قاجاریه بسیار ارزشمند بوده (زیرا نمونه مشابه آن در اعصار دیگر وجود ندارد) و می‌توان به استناد متون ادب فارسی پیشینه کهنی برای میوه‌های فلزی در ایران قائل گردید؛ به گونه‌ای که این میوه‌ها را می‌توان نمونه‌های متجسد از یک سنت باستانی در ایران محسوب نمود.

سابقه میوه فلزی در ایران به استناد متون ادب فارسی

همانگونه که گفته شد در متون ادب فارسی به وجود میوه‌های فلزی (که عموماً زربین و سیمین و مملو از جواهرات بوده) کراراً اشاره شده است. به عنوان مثال گنج جمشید به شکل دو گاو میشی، که



تصویر ۱- ترنج فولادی طلاکوب قاجاری، ارتفاع: ۳۷/۵، محل نگهداری: موزه آمل، مأخذ: (Adamqva, 2007, 76)



تصویر ۳- «به» فولادی طلاکوب قاجاری، ارتفاع: ۱۵/۷ س.م و ۱۲ س.م، محل نگهداری: مجموعه خصوصی تناولی، مأخذ: (آلن، ۱۳۸۱، ۱۱۷)

سکندر نیز بیامد ترنجی به دست/ ز ایوان سالار چین نیم مست (فردوسی، ۱۳۸۵، ۸۴۳).

در ادامه باید گفت، به میوه به و ترنج فلزی نیز به استناد متون ادب فارسی، به کرات در متون ادب فارسی اشاره گردیده و چنانچه از متون ادب فارسی استنباط می‌شود، به و ترنج فلزی را می‌توان به دو گونه بویا و غیربویا تقسیم نمود.

سابقه به و ترنج فلزی غیربویا، به استناد متون ادب فارسی در برخی منابع میوه‌های به و ترنج زرین، به صورت غیربویا نیز توصیف شده‌اند؛ در فرهنگ آندراج در توصیف ترنج زر و ترنج طلا چنین آمده است:

«گویند پرویز ترنجی از زر افشار ساخته بود که هر گاه می‌خواست بانگ زور دست چون موم نرم می‌شد.

زمنه گفت تو پرویز و من ترنج زرم / یکام خود بطرازم چنانکه میدانی» (فرهنگ آندراج، ذیل ترنج زر و ترنج طلا).

چنانچه نظامی در بیتی از خسرو و شیرین (در مجلس آراستن خسرو در شکارگاه)، خسرو پرویز را با زر دست افشار در مشت (که احتمالاً همان ترنج زر و ترنج طلا بوده) توصیف کرده است:

ملک را زر دست افشار در مشت / کز افشردن برون میشد از انگشت (نظامی ج ۱، ۱۳۷۷، ۳۲۸)

در شاهنامه فردوسی نیز (در بخش مربوط به خسرو پرویز شهر بند فرزند خویش است)، به «به» تناوری در دست او اشاره شده:

بهی تناور گرفته بدست / دژم خفته بر جایگاه نشست (فردوسی، ۱۳۸۵، ۱۳۲۴)

همچنین خاقانی به «ترنج» و «به» زرین خسرو پرویز اشاره کرده است:

کسری و ترنج زر، پرویز و به زرین / بر باد شده یکسر، با خاک شده یکسان (خاقانی، ۱۳۸۹، ۲۴۶)

پس بنا بر آنچه در سطور فوق ذکر گردید، چنین استنباط می‌گردد، گرفتن به و ترنج زرین با طلای خالص، به عنوان زر دست افشار، برای نشان دادن شوکت و جلال شاهانه، در دست شاهان باستان ایران متداول بوده است.

سابقه به و ترنج فلزی به صورت بویا به استناد متون ادب فارسی

به استناد متون ادب فارسی میوه‌های به و ترنج به دلیل خوشبویی ذاتی آنها، با فلزات گرانبها به صورت مشبک ساخته می‌شدند و با نهادن مواد خوشبویی در آنها برای خوشبوی نمودن محیط و استفاده می‌شده است. چنانچه فردوسی، در وصف بزمگاه کیخسرو در داستان بیژن و منیژه، به به و ترنج زرین میان تهی و آکنده به مشک جهت خوشبویی نمودن محیط، بر درختی از نقره و طلا و گهرهای گوناگون، اشاره کرده است:

درختی زدند از برگاه شاه / کجا سایه گسترد بر تاج و گاه

بنابراین با توجه به نمونه‌های ذکر شده فوق، ساخت میوه فلزی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد، از آنجا که میوه‌های فولادی قاجاری مورد مطالعه این پژوهش، «به» و «ترنج» هستند در ادامه به بررسی موردی پیشینه این دو میوه فلزی در متون ادب فارسی پرداخته می‌شود.

جایگاه میوه «به» و «ترنج» به استناد متون ادب فارسی

به و ترنج همواره به دلیل بوی خوش به استناد متون ادب فارسی جزء میوه‌های شاخص بوده‌اند؛ و از این دو میوه برای خوشبوی کردن مجالس بزم بهره می‌بردند. چنانچه منوچهری دامغانی (شاعر قرن پنجم هجری) از وجود ترنج و به در مجلس بزم خبر می‌دهد:

مجلسی سازم با بریط و با چنگ و رباب / با ترنج و بهی و نرگس و با نقل و کباب (منوچهری دامغانی، ۱۳۵۶، ۱۶۲).

و یا در ابیاتی از کوشنامه (حماسه‌ای که توسط ایرانشاه بن ابی‌الخیر در قرن ششم هجری به سبک شاهنامه سروده شده است) به آوردن خرواری از به و ترنج برای خوشبوی کردن نشستگاه طیه‌پور شاه، اشاره شده است:

به خروار بار ترنج و بهی / نهاده بر تخت شاهنشهی (ایرانشاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷، ۲۷۴).

در بین این دو میوه شاید بتوان جایگاه شاخص تری به استناد متون ادب فارسی برای میوه ترنج در نظر گرفت؛ این میوه در اوستا بارها، به عنوان خوش‌بوی‌ترین میوه‌ها یاد شده و در دیگر متون پهلوی چون خسرو کواتان و ریدک، شایسته نه شایسته، فرهنگ پهلویک و... به عنوان میوه‌ای نیک و بسیار خوش بو یاد شده است (موسوی و اسپرغم، ۱۳۸۹، ۲۴۶). به گونه‌ای که شمس‌الدین دینسری (ستاره‌شناس قرن ۷ ه.ق)، این میوه را به دلیل کامل بودن عطر، بو، طعم و رنگش، به عطارد منسوب می‌کند:

«بدان که هر چیزی که خدای- تعالی- بیافرید، اگرچه به هر ستاره هر یکش را منسوب کنند، خالی نبود از آن که همه ستارگان را اندرو بهره‌ای است، چنان که ترنج زردی وی مشتری را بود، زیرا بدو منسوب کنند. و بویش زهره را، زیرا همه بوی‌های خوش بدو نسبت کنند. و پوستش، آفتاب را، زیرا که طعمش تیز است، و همه تیزها را بدو منسوب کنند. و گوشتش ماه را، زیرا که تر است و طعمش خوباست و این هر دو را منسوب بدو کنند. و ترشی اش بهرام را، زیرا که به طعم ترش است و ترشی‌ها را منسوب بدو کنند. و تلخی اش زحل را، زیرا که او تلخ است و همه تلخی‌ها را بدو منسوب کنند. و عطارد، به این چیزها که گفتیم موافق بود...» (دینسری، ۱۳۵۰، ۵۹).

در احادیث و متون اسلامی نیز از ترنج با عنوان برترین میوه‌ها یاد و بر استفاده از آن تأکید شده است. در آخر باید گفت این میوه به طور کلی به استناد متون ادب فارسی، نماد نیک بختی، بهروزی محسوب می‌شده و به همین دلیل است که بسیاری از پادشاهان و پهلوانان ترنج به دست توصیف شده‌اند (موسوی و اسپرغم، ۱۳۸۹، ۲۴۶).

به عنوان مثال اسکندر در شاهنامه هنگامی که به درگاه فغفور چین رفته ترنجی در دست دارد:

تنش سیم و شاخش ز یاقوت و زر/ برو گونه گون خوشه های گهر
عقیق و زمرد همه برگ و بار/ فرو هشته از تاج چون گوشوار
همه بار زرین ترنج و بهی / میان ترنج و بهیها تهی
بدو اندرون مشک سوخته بمی / همه پیکرش سفته بر سان نی
کرا شاه بر گاه بنشاندی / بر او باد ازو مشک بفشاندی (فردوسی، ۱۳۸۵، ۴۵۴).

و یا در ادامه این سنت در عصر تیموری، به وجود نارنج و ترنج های
زرین و سیمین معنبر، در غازان نامه ی منظوم، اشاره شده است:
پس آن گه شناسای در و گهر / درختی برآراست از سیم و زر
ز نارنج زرین و سیمین ترنج / سر شاخ ها از گرانی به رنج
میان ها پر آکنده از مشک ناب / همه بارگه بوی عود و گلاب
چو نارنج از باد لرزان شدی / ز بویش هوا عنبرافشان شدی (نوری اژدری،
۱۳۸۱، ۳۳۴)

همچنین به استناد برخی متون ادبی میوه ترنج با فلزاتی مانند طلا
به صورت مشبک و مجوف ساخته می شده و با نهادن موادی خوشبوی
همچون مشک و عنبر به صورت شمامه استفاده می کردند. به گونه ای
که در توصیف شمامه عنبر در فرهنگ آندراج چنین آمده است:
شمامه عنبر آنست که عنبر را در مشبک طلا یا نقره بگذارند و آنرا در دست
دارند و می بویند. (فرهنگ آندراج، ذیل شمامه عنبر)
در تاریخ جهان آرای عباسی نیز شمامه عنبری زرین، که هدیه ای شاهانه
بوده، توصیف گردیده است:
...یک شمامه عنبر که هزار و پانصد مثقال و در هفت من طلا نصب نموده

بودند به سوغات فرستاده شد... (وحید قزوینی، ۱۳۸۳، ۱۷۷).
بنابراین ترنج های کافور و عنبری که در اشعار فارسی، دست
بزرگان توصیف شده احتمالا شمامه های مشبک و مجوف زرین به
شکل ترنج بوده اند. به عنوان مثال نظامی در شرف نامه، اسکندر را،
با ترنجی آکنده از کافور و عنبر در دست توصیف شده کرده است:
بشادی بر آن تخت زرین نشست / ز کافور و عنبر ترنجی بدست (نظامی،
۱۳۷۷، ج ۲، ۱۰۳۲).

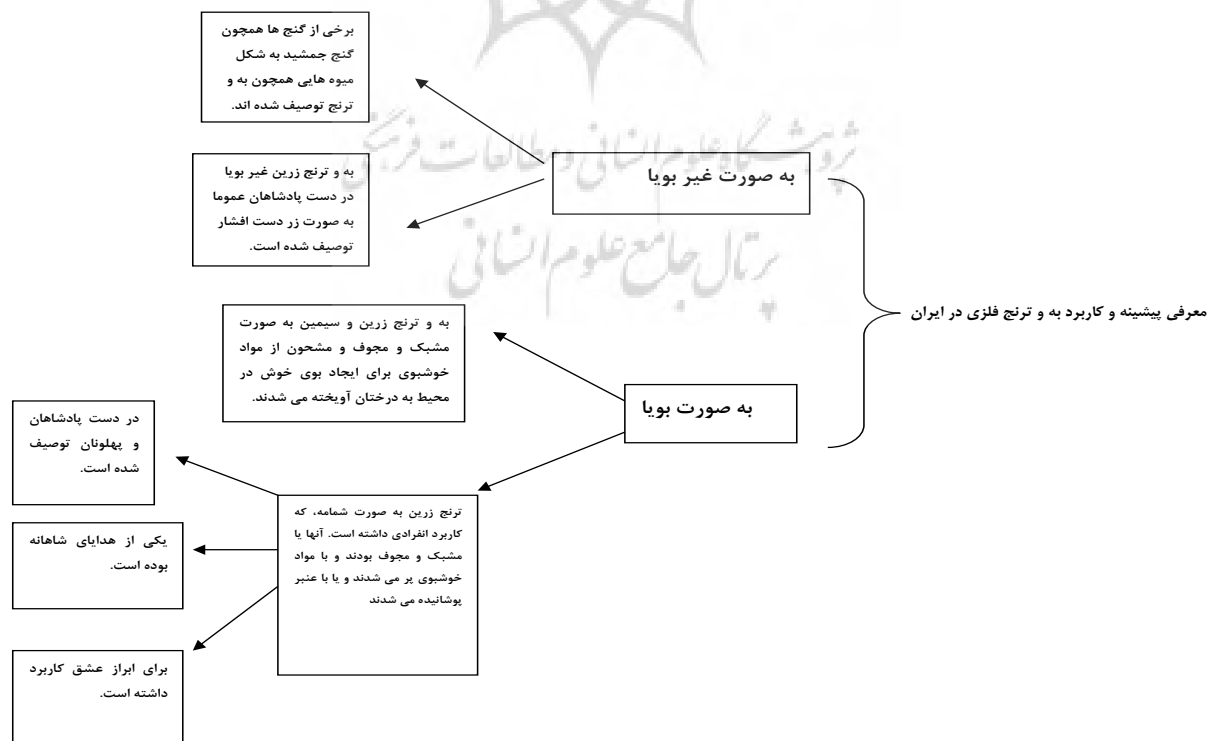
رستم نیز هنگامی که خشمگین از پیمان شکنی اسفندیار باز
می گردد، با ترنج در دست توصیف شده:
بیامد بر آن کرسی زر نشست / پر از خشم بویا ترنجی به دست (فردوسی،
۱۳۸۵، ۷۲۹)

و یا نوشابه در شرف نامه نظامی، در دیدار با اسکندر، ترنج معنبر
در دست دارد:

بر اورنگ شاهنشاهی بر نشست / گرفته معنبر ترنجی بدست (نظامی، ۱۳۷۷
ج ۲، ۹۵۵)

در ادامه باید گفت، ترنج زرین علاوه بر اینکه به استناد متون
ادب فارسی به عنوان شمامه در دست پادشاهان، بزرگان و پهلوانان
توصیف شده به استناد متون ادبی برای ابراز عشق و تقاضای ازدواج
نیز کاربرد داشته است (موسوی و اسپرغم، ۱۳۸۹، ۲۴۶). به عنوان
مثال در شامنامه شمسعی خاوری برای ابراز عشق به سام ترنج زرین
معنبری به سوی او پرت می کند (آیدنلو، ۱۳۸۴، ۶۱):

به سیب و ترنجش روان را نظر / به دستش معنبر ترنجی ز زر



قصری رفیع و عمارتی وسیع سر به سپهر دوار کشید و ناسخ بناهای روزگار گردید و به حکم خسرو زمان و زمین در هر مکان که سنگش قابل بود و ماده‌اش با صفت استادان مقابل صورت خسرو با فرهنگ که رنگ‌آمیزی خامه و صور کم فاحسن صورکم بود با صورت شاهزادگان سنگ‌تراشان فرهادی بنیان در سنگ‌ها رنگ‌ها ریختند تا معلوم شود که صنعت فرمادی همان موج سراب است و نقش بر آب صورت‌های سوش که محالی از چمن دلفروز فیروزکوه است و چشمه علی طهران از آن جمله است» (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰، ۷۱).

در ادامه این سنت، شاهزادگان و دیگر صاحب منصبان قاجار نیز در اطراف کرمانشاه و کازرون نقوش برجسته‌ای ایجاد نمودند تا حتی این نقوش برجسته، در کنار نقوش برجسته باستانی و در برخی موارد بر روی آن‌ها، دیده می‌شوند (ورنویت، ۱۳۸۳، ۹۷). در مورد سایر هنرها، از جمله فلزکاری، کاشی‌کاری و نگارگری نیز به خوبی می‌توان گرایش‌های باستان‌گرایی را در هنرهای درباری و حتی هنرهای غیردرباری این عهد مشاهده نمود.

از این رو در مورد میوه‌های فولادی عصر قاجار، با توجه به پیشینه باستانی آنها، می‌توان گرایش‌های باستان‌گرایی این عهد را در ساخت چنین میوه‌هایی لحاظ نمود. البته از آنجا که بر دو عدد از این میوه‌ها نام ناصرالدین شاه دیده می‌شود، دلیل ساخت این اشیاء را می‌توان در ارتباط با روحیه باستان‌گرایی پادشاهان قاجاری محسوب نمود. زیرا این میوه‌ها که به شکل «ترنج» و «به» ساخته شده‌اند و کاملاً با میوه‌های توصیف شده در دست پادشاهان باستانی ایران به استناد متون ادب فارسی مطابقت می‌کنند؛ و می‌توانند در امتداد سنت همانندسازی پادشاهان قاجاری از شاهان دوران باستان ایران قرار گیرند. چنانچه ادیب الممالک فراهانی شاعر عهد قاجار در توصیف اوضاع بد اقتصادی عصر قاجار از تبدیل ترنج زرین در دست شاهان به سکه مسین در دست مردم اشاره می‌کند:

ترنج زر شده، گوی مسین ملت از آنک/ قبول دولتیان کیمیای این
مس شد (ادیب‌الممالک فراهانی ج ۲، ۱۳۷۸، ۵۶۸).

بنابراین «به»‌ها و ترنج‌های فولادی عصر قاجار به درامتداد سنت باستانی، ساخت میوه‌های فلزی در ایران قرار می‌گیرند و از آنجا که نمونه دیگری از این میوه‌های فلزی از اعصار گذشته وجود ندارد می‌توان، آنها را سندی ارزشمند از یک سنت باستانی در ایران محسوب نمود.

(برگزیده سامنامه، ۱۳۷۰، ۷۳)

ولی از آنجا که میوه‌های فولادی قاجاری شامل دو گونه به و ترنج می‌شوند؛ و نام ناصرالدین شاه بر دو عدد از این میوه‌ها دیده می‌شود، احتمال چنین کاربردی برای میوه‌های فولادی قاجاری دور از ذهن می‌رسد. بنابراین پرداختن به این کاربرد ترنج زرین، به این مقدار بسنده می‌شود. در آخر باید گفت از ابیاتی از نظامی چنین استنباط می‌شود که همیشه ترنج‌ها شمامه‌های مشبک و مجوف نبوده و احتمالاً گاهی اوقات ترنج‌های زرین را با عنبر می‌پوشانیدند. به عنوان مثال نظامی در توصیف هدایایی که شاه به درباریان می‌دهد، از ترنج‌های زرین مکمل شده با عنبر سخن می‌گوید:

نهاده توده توده بر کرانها / ز یاقوت و زمرد نقل دانها
بدست هر کسی بر طرف گنجی/ مکمل کرده از عنبر ترنجی (نظامی، ج ۱، ۱۳۷۷، ۳۲۸).

بنابراین ترنج‌های بویا و معنبری که در دست شاهان، بزرگان و پهلوانان توصیف شده‌اند، احتمالاً شمامه‌های زرین ترنج شکل مشبک و مجوفی بودند که با مواد خوشبویی همچون مشک و عنبر پر می‌شدند؛ و یا اینکه ترنج‌های زرینی بودند که با مواد خوشبویی همچون عنبر پوشانیده می‌شدند و به عنوان شمامه و یا دستنبوی در دست می‌گرفتند.

بررسی دلایل ساخت به و ترنج فولادی در عصر قاجاریه

برقرارشدن امنیت نسبی و روی کارآمدن حکومت واحد توسط قاجارها، رسوم و عادات شاهان گذشته به دلیل علاقه پادشاهان قاجار به روزگار باستان از نو زنده شد؛ و آغازگر این رویکرد را مورخین هنر فتحعلی‌شاه می‌دانند. فتحعلی‌شاه، دربار باشکوهی در تهران تشکیل داد و تصمیم گرفت که زندگانی درباری و پرعظمت روزگاران باستان را تجدید کند (آرین‌پور، ۱۳۷۲، ۱۵).

به گونه‌ای که در هنر درباری قاجاری گرایش زیادی نیز به هنر ایران باستان دیده می‌شود، از جمله اینکه فتحعلی‌شاه چندین نقشبهرجسته به سبک جدید ساسانی (همچون چشمه علی و فیروزکوه) از خود به یادگار گذاشت (اسکارچیا، ۱۳۷۶، ۴۵). چنانچه علی‌قلی میرزا مورخ قاجاری در کتاب اکسیرالتواریخ، نقوش برجسته چشمه علی ری و فیروزکوه را چنین توصیف می‌کند:

«... و نقاشان رسام رسم مانی مانند و مصوران لوشا عمل ارژنگ فعل،

نتیجه

و چگونگی بسیاری از اشیاء پیرامونی مردمان هر عصر کسب نمود. بنابراین در این پژوهش برای یافتن هویت میوه‌های فولادی قاجاری از گنجینه ادب فارسی بهره گرفته شد.

در مورد نتایج این هویت‌یابی باید گفت، ساختن میوه‌های فلزی خصوصاً «به» و «ترنج» در ایران باستان سابقه‌ای دیرینه داشته، به گونه‌ای که بسیاری از پادشاهان و بزرگان ایران باستان با به و یا

میوه‌های فولادی قاجاری موجود در موزه ملی ایران و در سایر موزه‌های دنیا فقط با مشخصات ظاهری معرفی شده و هویت این میوه‌ها در سایه‌ای از ابهام وجود دارد. که در این پژوهش سعی گردید با استفاده از متون ادب فارسی به هویت‌یابی این میوه‌ها پرداخته شود. زیرا متون ادب فارسی همواره آینه دار زندگی مردمان عصر خویش بوده و می‌توان به استناد متون ادبی اطلاعاتی عظیم، از چرایی

شده با عنبر برای خوشبوی کردن محیط دربار استفاده می‌شدند را پرنگ تر می‌نماید؛ و وجود چنین ابهاماتی در این مقاله، می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های آتی گردد. در آخر باید گفت نتایج این پژوهش علاوه بر اینکه موجب هویت‌یابی میوه‌های فولادی قاجاری گردید؛ حتی موجبات تکمیل اسناد ادبی و تاریخی از یک سنت کهن ایرانی (ساخت میوه‌های فلزی) را فراهم می‌کند؛ زیرا علیرغم اشارات فراوان به میوه‌های فلزی در متون، به‌ها و ترنج‌های فولادی عصر قاجاریه، تنها نمونه مسجد از یک سنت باستانی هستند.

ترنجی (به صورت بویا و یا غیربویا) در دست توصیف شده‌اند. البته از آنجا که کتیبه‌های دو نمونه از میوه‌های فولادی قاجاری موجود در موزه ملی ایران، نشان دهنده تعلق آنها به ناصرالدین شاه هستند؛ چنین استنباط می‌شود، با توجه به باستان‌گرایی شاهان قاجاری، احتمالاً چنین میوه‌هایی در دربار شاهان قاجاری کاربرد داشته است. ولی با این حال نکات مبهم بسیاری در مطالعه این میوه‌ها همچون غیر بویا و بویا (در این صورت با ماده خوشبویی همچون عنبر پوشانده می‌شدند) بودن آنها باقی می‌ماند. ولی از آنجا که تعدادی از این میوه‌ها بدون نقش و ساده هستند احتمال اینکه این میوه‌ها مکمل

فهرست منابع

قوچانی، عبدالله (۱۳۶۶)، کوزه فقاع، *مجله باستانشناسی و تاریخ*، شماره ۱، صص ۴۶-۵۱.

لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۲)، علی‌اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، تهران. منوچهری دامغانی، ابونجم احمد (۱۳۵۶)، *دیوان منوچهری دامغانی*، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، زوار، تهران.

موسوی، مصطفی و اسپرغم، ثمین (۱۳۸۹)، نقد اسطوره‌شناسی قصه «دختر نارنج و ترنج»، *نقد ادبی*، شماره ۱۱، صص ۲۳۳-۲۵۵.

نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۷)، کلیات خمسه نظامی ج ۱ و ۲، به تصحیح وحید دستگردی، صفی‌علیشاه، تهران.

نوری اژدری، نورالدین محمد (۱۳۸۱)، *غازان‌نامه*، به کوشش دکتر محمود مدبری، بنیاد موقوفات دکتر افشار، تهران.

وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر (۱۳۸۳)، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، به تصحیح سید سعید میرمحمدصادق، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

ورنویت، استفان (۱۳۸۳)، *گرایش به غرب*، مترجم پیام‌بهتاش، کارنگ، تهران.

Adamqva Adel. (2007), *Persia: Thirty centuries of art & culture; [exhibition in the Hermitage Amsterdam]*; 31. March till 16 September. (2007), Organized by the State Hermitage Museum in St. Petersburg and the Hermitage Amsterdam], Zwolle Waanders, Amsterdam.

Melikian Chirvani Asaddadullah. (1986), *State inkwell in Islamic Iran*, *Journal of Walters Art Gallery*, No. 44, pp. 70-94.

Melikian Chirvani Asaddadullah. (1992), *From the royal boat to the beggar's bowl*, *Islamic Art*, No. 14, pp. 3-112.

Melikian Chirvani Asaddadullah. (1995), *Rekab: the poly lobed wine bout from Sasanian to Saljuq time*, *Res Orientales*, No. VII, pp. 187-204.

Melikian Chirvani (1996), *Iranian wine horn*, *Bulletin of the Asia Institute New Series*, No. 10, pp. 85-139.

Melikian Chirvani Asaddadullah. (1997), *The wine birds of Iran from pre Achaemenid to Islamic times*, *Bulletin of the Asia Intitute*, No. 9, pp. 41-97.

Weistein, Laura. (2015), *Silk & Gold*, *Museum of Fine Art*, Boston.

ادیب‌الممالک فراهانی، محمد صادق امیر فراهانی قائم‌مقامی (۱۳۷۸)، *دیوان ادیب‌الممالک فراهانی*، به تصحیح و اهتمام مجتبی برزآبادی فراهانی، فردوس، تهران.

اسدی توسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۵۴)، *گرشاسب‌نامه*، به تصحیح حبیب یغمایی، طهوری، تهران.

اسکارچیا، جیان روبرتو (۱۳۷۶)، *هنر قاجاری هنر ایرانی*، ترجمه یعقوب آژند، مولی، تهران.

اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰)، *اکسیرالتواریخ*، به اهتمام جمشید کیان فر، ویسمن، تهران.

ایرانشاه بن ابی‌الخیر (۱۳۷۷) *کوشنامه*، به تصحیح جلال متینی، علمی، تهران.

آرین پور، یحیی (۱۳۷۲) از صبا تا نیما ج ۱، انتشارات زوار، تهران. آلن، جیمز (۱۳۸۱) *هنر فولادسازی در ایران*، ترجمه پرویز تناولی، یساولی، تهران.

آیدتلو، سجاد (۱۳۸۴)، *ترنج بویا و به زرین، تأملی بر یک آیین ایرانی*، آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۱۸، صص ۵۸-۶۱.

برگزیده *سامنامه* (۱۳۷۰)، به کوشش دکتر منصور رستگار فسایی، نوید شیراز، شیراز.

پورابریشم، احسان و فرهود، فریناز (۱۳۹۰)، ماهیت دیبای شوشتری از نظر منابع مکتوب، *هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، شماره ۴۵، صص ۵۳-۶۲.

خاقانی، بدیل ابن علی (۱۳۸۹)، *دیوان خاقانی*، به اهتمام جهانگیر منصور، نگاه، تهران.

دینسری، شمس‌الدین (۱۳۵۰)، *نوادرتبادر تحفه‌البهادر*، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، *شاهنامه فردوسی*، به کوشش سعید حمیدیان، قطره، تهران.

فرهنگ آندراج (۱۳۶۳)، تألیف محمد پادشاه متخلص به شاد، کتابفروشی خیام، تهران.

فرهنگ جهانگیری (۱۳۵۱)، *میر جمال‌الدین حسن انجوی شیرازی*، ویراسته رحیم عقیقی، دانشگاه فردوسی، مشهد.

فرهنگ مجمع‌الفرس (۱۳۳۸)، *محمد قاسم محمد کاشانی متخلص به سروری*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، نشر علمی، تهران.

فقیه ملک مرزبان، نسربین و حسین قزوینی، *نغمه* (۱۳۹۵)، عنبر و عنبرینه در ادب فارسی، *فصلنامه ابختر*، شماره ۳۰، صص ۳۶۹-۳۸۸.

Hagen, Hans, Siegfried Heinz, and Alexa Nawotki. (1997), "Variational Design with Boundary Conditions and Parameter Optimized Surface Fitting": *Focus on Computer Graphics: Tutorials and Perspectives in Computer Graphics*. Wolfgang Strasser, Reinhard Klein, and René Rau (Eds.), Springer, Berlin/Heidelberg, Germany, Pp. 3-13.

Karow, Peter. (1994-1), *Digital Typefaces: description and formats*. Springer-Verlag, Berlin/Heidelberg, Germany, 2nd ed.

Karow, Peter. (1994-2), *Font Technology: Methods and tools*. Springer-Verlag, Berlin/Heidelberg, Germany.

King, Emily. (1999), *New Faces: type design in the first decade of device-independent digital typesetting*. (1987-1997), *PhD Thesis*. Kingston University, Retrieved 17 May, 2019, from < <https://www.typotheque.com/articles>>

Manovich, Lev. (2002), *The Language of New Media*, The MIT press, MA, U.S.A.

Nishri, Alex. (1988), *Laser Printers: How Do They Work?*, *Computer News*, No. 245, Pp. 1-3, Retrieved 17 May, 2019, from <<https://archive.org/details/computernewsmarc245mart/page/n1>>

Plass, Michael & Maureen Stone. (1983), *Curve-Fitting with Piecewise Parametric Cubics*, *Computer Graphics*. V. 17, No. 3, Pp. 229-239.

Reas, Casey & Ben Fry. (2007). *Processing: A Programming Handbook for Visual Designers and Artists*. The MIT Press, MA, U.S.A.

Staples, Loretta. (2000), *Typography and the Screen: A technical Chronology of Digital Typography, 1984-1997*, *Design Issues*. Vol. 16, No. 3, Pp. 19-34.

Walden, David. (2016), *an Informal Look into the History of Digital Typography*, Retrieved 17 May 2019 from <<https://tug.org/tug2016/walden-digital.pdf>>

Warnock, Jhon. E. (1980), *the Display of Characters Using Gray Level Sample Arrays*, Xerox Cooperation, Palo Alto, CA, U.S.A.

43. Metafont.

44. Donald Knuth.

45. Philippe Coueignoux.

46. Character Simulated Design (CSD).

۴۷. شایان توجه اینکه همواره رشد و دگرگونی طراحی حروف دیجیتال با جابه‌جایی فرصت‌ها و چالش‌های فناوری‌ها و نوآورانه همراه بوده است. گاهی حتی پس از گذشت سال‌ها این جایگزینی صورت گرفته است. برای نمونه کیفیت پایین در چاپگرهای سوزنی مسأله‌ای بود که برای رویارویی با آن چاپگرهای لیزری را با فناوری پست‌اسکرپت روی کار آوردند. حال اینکه با رشد دیدگاه‌های طراحی گرافیک پایدار (طراحی گرافیک متناسب با اهداف توسعه پایدار) به‌صرفه بودن چاپگرهای سوزنی در فرآیند تولید از نظر استفاده از کم‌ترین هزینه اهمیت پیدا کرد.

فهرست منابع

اثنی‌عشری، عبدالرضا و شهره امینی (۱۳۹۶)، مطالعه ارگونومی حروف فارسی در فضای مجازی، *اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی*، دانشگاه علمی کاربردی شوشتر، شیراز.

افضل طوسی، عفت‌السادات و صالح انصاریان (۱۳۹۵)، ارتباط شخصیت‌سازی در طراحی حروف و ویژگی‌های نوشتاری و زیبایی‌شناسانه، *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، شماره ۲، صص ۷۱-۸۲.

صالحی، سودابه، احمد صالحی کاخکی و محمد درویشی (۱۳۹۷)، چالش‌های کمبود قلم‌های فارسی مناسب در ایران، *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، دوره ۱۹، شماره ۴۲، صص ۱۶۵-۱۸۹.

محمدی، عاطفه و صداقت جباری (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی فونت تاهوما و اصول ساختاری خوشنویسی فارسی، *هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، دوره ۲۳، شماره ۳، صص ۶۵-۷۴.

Adams, Debra A. (1986), *A Dialogue of forms: Letters and Digital Font Design, Supervised by Muriel Cooper*, Ms. Thesis in Visual Studies, Massachusetts Institute of Technology, MA, U.S.A.

Bawden, David. (1985), *Computer output devices: a tutorial review*, *Journal of Information Science*, No. 11, Pp. 1-8.

Bigelow, Charles and Donald Day. (1983), *Digital Typography*, *Scientific American* (August), Pp.106-119.

Govil-Pai, Shalini. (2004), *Principles of Computer Graphics (Theory and Practice using OpenGL and Maya)*, Springer, Sunnyvale, CA, U.S.A.

Identification of Qajar Steel Fruits in the National Museum of Iran (Based on Persian Literature)

Abolghasem Dadvar¹, Naghmeh Hossein Qazvini²

¹ Professor, Art Faculty, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

² Ph.D. Student in Art Research, Art Faculty, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

(Received 9 Dec 2017, Accepted 19 Jun 2018)

Some of the objects of the Islamic era of Iran are described simply by the appearance, so that many of the unique features of these objects are ignored without their background, name and application. One of the most important resources that can help us better introduce the Iran's Islamic era objects, especially their name, application, background, and even aesthetic status, is the treasure of Persian literature. Because the Persian literary texts mirrored the lives of the people of their time; hence based on literary texts, we can elicit plenty of information about a large number of everyday objects of every age. One of the many obscure things about it is the Qajar Steel Fruits, six of which are in the National Museum of Iran, which have not been introduced yet, and even a few other examples in other museums have only been introduced to their appearance. It is based on the fact that many treasures were made in ancient Iran in the form of fruit or many kings and pilgrims in the texts of Persian literature with metal fruits such as "quince" and "bergamot" are described in hands. Therefore, in this research, the Persian literary treasure was used to identify the Qajar steel fruits.

In order to achieve this, firstly, the introduction of steel fruits in samples of museums, especially the samples in the National Museum of Iran, and then the history of metal fruits were introduced on the basis of Persian literature. Since the remaining Qajar fruits are "quince" and "bergamot", in the next section, more attention was paid to these two fruits. Finally, the reasons for making steel fruits in the Qajar era were studied. Regarding the results of this identification, the production of metal fruits, especially "quince" and "bergamot" in ancient Iran, has a long history, so that many ancient kings and elders with quince or bergamot (fragrant and Or non-fragrant) are described in their hand. Of course, since the inscriptions of two examples of Qajar steel fruits in the National Museum of Iran indicate their belonging to Na-

siral-Din Shah; it can be deduced that, given the Archaism of the Qajar kings, these fruits were probably used in the Qajar kings court. However, many obscure points remain in the study of these fruits, such as non-fragrant and fragrant (in this case, were covered with flavor material like amber). But since a number of these fruits are simple plain, the likelihood of these fruits covering with the amber is used to freshen up the court's environment; and the existence of such ambiguities in this article can be the basis for future research. Finally, it should be noted that the results of this research, in addition to identifying the Qajar steel fruits, It even provides for the completion of literary and historical documents from an ancient Persian tradition (making metal fruits); Because despite the many references to metal fruits in the texts, the Qajar steel quinces and bergamots are the only available examples of an ancient tradition.

Keywords

Steel fruits, Qajar era, Persian literature, Quince, Bergamot.